

بررسی موضوعی پرسش و پاسخ در متن سوتره علت و معلول کردار^۱

افسانه شکاری نمین^۲، زهره زرشناس^۳، محسن ابوالقاسمی^۴

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۱/۲۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۴/۱۷)

چکیده

حجم گسترده متون سُعدی - بودایی حاکی از فعالیت‌های دامن‌دار و جدی مترجمان بودایی مذهب در صومعه‌های آسیای مرکزی است. هدف از این مقاله، بررسی موضوعی پرسش و پاسخ‌های مطرح شده در متن سُعدی - بودایی سوتره علت و معلول کردار می‌باشد؛ به همین جهت، پرسش‌های مطرح شده توسط آنده (یکی از شاگردان بودا) از شخص بودا از متن سوتره (با حرف‌نویسی مکثی) انتخاب شده است. این بندها برای ارائه ترجمه فارسی بهتر، توسط نگارنده بر اساس واژه‌نامه قریب آوانویسی، و سپس تحلیل موضوعی شده‌اند. پرسش و پاسخ‌های منتخب در این مقاله حاوی نکات آموزنده درباره آموزه‌های بودا هستند که اساسی‌ترین مبحث در آن‌ها، قانون کرمه می‌باشد که بر طبق آن، موقعیت حاضر شخص در این جهان نتیجه رفتار و وضع او در گذشته است؛ بدین ترتیب، انسان گریبان‌گیر گردونه باز پیدایی (سمساره) است که - سرانجام از راه تهذیب نفس و اخلاق از این رنج‌رهای می‌بخشد و به ذات بیمرگ (نیروانه) می‌رسد.

کلید واژه‌ها: آنده، بودا، سمساره، کرمه، نیروانه

-
۱. برگرفته از رساله‌ی دکتری تخصصی رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی.
 ۲. دانشجوی دکتری تخصصی رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران؛
Email: afsaneh_shekari90@gmail.com
 ۳. استاد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران (نویسنده مسئول)؛
Email: zzarshenas@gmail.com
 ۴. استاد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران؛
Email: ghasemim@ut.ac.ir

۱. مقدمه

زبان سغدی از شاخه زبان‌های ایرانی میانه شرقی است که از قرن اول تا سیزدهم میلادی در گستره وسیعی از دریای سیاه تا چین، مردمانی ایرانی تبار بدان تکلم می‌کردند. این زبان از نظر تنوع و حجم ادبیات، مهم‌ترین زبان ایرانی میانه شرقی است و زادگاه آن مرز و بوم سغد است [۶، ص ۱۹]. آثار بجا مانده از زبان سغدی در دهه‌های نخستین سده بیستم میلادی از دون‌هوان در چین، تورفان در ترکستان چین، و کوه مغ در تاجیکستان به دست آمده‌اند؛ این آثار بر حسب موضوع به دو گروه دینی و غیر دینی بخش می‌شوند. بیشتر آثار دینی از ناحیه تورفان و یکی از غارهای هزار بودای دون‌هوان به دست آمده‌اند و در سده‌های هفتم تا دهم میلادی نوشته شده‌اند و به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱. متون سغدی بودایی، ۲. متون سغدی مانوی، ۳. متون سغدی مسیحی. آثار غیر دینی شامل سکه‌ها، سنگ نوشته‌ها، نوشته‌های روی اشیاء سیمین، منسوجات، چرم، سفالینه‌ها و سنگ‌های گرانبها و دیگر اسناد و مدارک می‌باشند [۴، ص ۱۴-۱۷].

متون بودایی که بیشتر آن‌ها از اصل چینی به زبان سغدی ترجمه شده‌اند، بزرگترین مجموعه متن‌های سغدی را پدید می‌آورند که مشتمل بر متن‌های کامل یا تکه‌تکه بودایی هستند، مانند سوتره‌ها^۱، جاتکه‌ها^۲ و متن‌های پرچنپارمیتا^۳ دو کتاب وسنتره جاتکه و سوتره چم و پادافراه کردار مکنزی [۱۲] از مهم‌ترین آثار سغدی بودایی هستند [۴، ص ۱۷]. در میان دست نوشته‌های سغدی که پلویو در سال ۱۹۰۸ میلادی در غار هزار بودای چین یافت، طوماری به طول ۷ متر از جنس کاغذ چینی وجود داشت که بهتر از بقیه محفوظ مانده بود که با نشانه اختصاری (Pelliot3515) در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می‌شود که دارای ۵۷۱ سطر است و به اواخر سده هشتم یا اوایل سده نهم میلادی تعلق دارد. در پایان این طومار، عنوان متن موجود بر آن به زبان چینی و به خط چینی در اوایل قرن نهم میلادی نوشته شده است، که ترجمه چینی آن، سوتره علت و معلول نیک و بد است. در عبارت دیگری به خط چینی در قرن دهم میلادی،

1. sūtra
2. jātaka
3. prajñāpāramita

مالک نسخه شخصی به نام تسائوکین - تای^۱ خوانده شده است. چاپ عکسی متن سُغدی سوتره علت و معلول کردار در سال ۱۹۲۰ حرف نویسی و ترجمه فرانسوی آن در سال ۱۹۲۶، و واژه نامه آن در سال ۱۹۲۸ توسط گوتیو و پلیو^۲ منتشر شد. بنونیست^۳ نیز در پیوست کتابش در زمینه وسنتره جاتکه - که مهم ترین متن سُغدی بودایی درباره تولد بوداست - ترجمه ای اصلاح شده و چند قرائت جدید پیشنهاد کرد [۹، ص ۱۳۵-۱۲۹]. سرانجام مکنزی (۱۹۷۰) بار دیگر، متن سُغدی سوتره علت و معلول کردار را منتشر و آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. کتاب مکنزی را گرشویچ^۴ به اختصار نقد و بررسی کرد [۲، ص ۱۱-۱۲]. این متن به بررسی قانون کرمه می پردازد. در کتاب تاریخ جامع ادیان، بودا دو اصل اساسی از اصول دین هندوئیسم را محترم و معتبر می شمارد: اول قانون کرمه و دوم نظریه تناسخ یا انتقال ارواح که آن را هندوان به زبان سنسکریت "سمساره"^۵ می گویند. در ادامه به این دو اصل خواهیم پرداخت [۷، ص ۱۳۰].

۱.۱. پیشینه تحقیق

سوتره علت و معلول کردار در سال ۱۹۰۸ در میان دست نوشته های سُغدی توسط پلیو در یکی از غارهای هزاربودای دون هوانگ چین یافت شد. چاپ عکسی این متن سُغدی در سال ۱۹۲۰، حرف نویسی و ترجمه فرانسوی آن در سال ۱۹۲۶، و واژه نامه آن در سال ۱۹۲۸ توسط گوتیو و پلیو منتشر شد. سرانجام مکنزی در سال ۱۹۷۰ بار دیگر متن سُغدی سوتره علت و معلول کردار را منتشر کرد و این کتاب را گرشویچ به اختصار نقد و بررسی کرد. دکتر رضایی باغبیدی نیز در کتاب خود با همان عنوان برای نخستین بار، کتاب مکنزی را به زبان فارسی ترجمه و تألیف کرد.

۲. سمساره^۵

سمساره یا سنساره (در لغت، به معنای "سرگردانی دائم")، دور، وجود، چرخ وجود، زاد

1. Ts'ao Kin-t'ai
 2. Gauthiot, R. and Pelliot, P.
 3. Benveniste, É.
 4. Greschwitz
 5. Saṃsāra

و مرگ‌های پیاپی. مراد از آن دریای حیات است که همواره موج می‌زند و بالا و پایین می‌رود. نشانه این جریان مستمر همواره متولد شدن، پیر شدن، رنج بردن و مردن است. روح آدمی در هنگام مرگ یک سلسله توالد و تجدید حیات را طی می‌کند و پیاپی از عالمی به عالمی دیگر در می‌آید که در کسوت هر حیات دوره خود را طی می‌کند، سرانجام در زمان مرگ بار دیگر به پیکری دیگر منتقل می‌شود و جامه نو می‌پوشد. ادوار توالد پی‌درپی در یک سلسله بی‌انتهای و تا ابد ادامه دارد. سنساره زنجیر بی‌پایان و پیوسته آمیزش و ترکیب‌های مختلف "پنج توده" (۱). توده دمه‌های کالبد ساز، ۲. توده دمه‌های احساس ساز، ۳. توده دمه‌های ادراک ساز، ۴. توده دمه‌های اندیشه ساز، ۵. توده دمه‌های دانستگی ساز) است، که به طور دائم از لحظه‌ای به لحظه دیگر تغییر می‌کنند و از زمان‌هایی که به تصور نمی‌آید به دنبال هم روانند. زندگی هر کسی در این سمساره بخشی بسیار کوچک و کوتاه و گذرنده است [۱، ص ۵۹۶].

۳. مفهوم قانون کرمه^۱

سوتره، واژه‌ای سنسکریت، به معنی "نخ، ریسمان" است. اما در دین بودایی اصطلاحاً به متنی اطلاق می‌شود که سخنرانی‌های بودا یا شاگردان وی را شامل می‌شود. سوتره علت و معلول کردار در واقع متنی در تبیین قانون کرمه در فلسفه بودایی است. قانون کرمه، در واقع قانون "هر علتی معلولی دارد" است و همه موجودات ذی روح را شامل می‌شود. شایان ذکر است که اعتقاد به تناسخ و بازگشت به این جهان در قالبی دیگر، از ارکان تفکر بودایی است؛ به عبارت دیگر، هر موجودی نتیجه نیکی‌ها و بدی‌های خود را در زندگی فعلی یا زندگی‌های بعدی‌اش در همین جهان خواهد دید. واژه «karmā» واژه‌ای سنسکریت است به معنای "کردار، کنش" که در واقع حالت نهادی مفرد از اسم «karman» از ریشه √kr به معنای "کردن" است. در تفکر بودایی کرمه، غالباً به نیت یا انگیزه ذهنی دلالت می‌کند که می‌تواند به صورت گفتار یا کردار متجلی شود. هر عمل ذهنی و نیز هر گفتار و کرداری، بذری نیک یا بد در ذهن می‌افشاند. بذرها در ذهن می‌مانند تا یا نابود می‌شوند و یا به ثمر بنشینند و در زندگی‌های بعدی نتیجه نیک یا بد دهند.

1. Karmā

در تفکر بودایی بذرهای کرمایی هرگز بی دلیل نبود نمی‌شوند حتی پس از صدها بار زندگی در این دنیا در قالب‌های گوناگون و بی‌تردید روزی نتیجه نیک یا بد آن‌ها پدیدار خواهد شد [۲]، ص ۱۳]. بنابراین طبق قانون کرمه، هر آدمی مانند دهقانی است که محصول کشت خود را درو می‌کند و مجموع اعمال و قوانین و افکار او در روحش اثری ثابت ایجاد می‌کند و آن را طوری متشکل و مستعد می‌سازد که در حالت تناسخ؛ یعنی در حیات بعدی شکلی متناسب با آن حاصل کرده و به همان تناسب، جسد و پیکری نو اختیار می‌کند. طبق این قانون، آدمی از هر طبقه و صنف که باشد می‌تواند در قلب خود چنان دگرگونی و تبدیلی به وجود آورد که از نتایج و عواقب گناهان عمرهای گذشته خود نجات پیدا کند؛ قانون کرمه، در نفس هر آدمی که بر مشتهیات و امیال خود کاملاً چیرگی یافته و به مرتبه ارهت (=اشراق) رسیده باشد، اثری نخواهد داشت؛ زیرا تجدید حیات و تولد دوباره، مخصوص کسانی است که از حب وجود و تمنای بقا هنوز پاک نشده و محتاج به تزکیه و تصفیه نفس می‌باشند [۷، ص ۱۳۰].

۴. بررسی موضوع پرسش و پاسخ در متن سوترای علت و معلول

سطر ۰، عنوان "سوتره علت و معلول کردار، یک طومار"

(krtyh 'nβ'ntptwrypwwstk 'yw prw'rt)

سطر ۱، با احترام به شخص بودا، قانون بودایی و امت بودایی آغاز می‌شود که سه گوهر (dry rtny) در باورهای بودایی، شخص بودا، قانون بودایی و امت بودایی است که احترام آن‌ها بر هر فرد بودایی واجب است. عبارت معروف "namo Buddha namo dharma namo samgha" نیایش ای بودا، نیایش ای قانون [بودایی]، نیایش ای انجمن [بودایی] در زبان سنسکریت (= در سغدی: 'nm'w pwt' nm'w δrm' nm'w snk') در این سطر آمده است. اینک به تشریح سه گوهر در باورهای بودایی و نیز مفهوم نیروانه می‌پردازیم:

۴-۱. بودا^۱

در حدود سال ۵۶۰ پیش از میلاد مسیح، شاهزاده گئوتاما بودا^۲، بنیان‌گذار آیین بودایی، در ناحیه لومبینی واقع در جنوب سرزمین نپال به دنیا آمد. پدرش شودودانا^۳ (=در

1. Buddha
2. Gautama Buddha
3. Śuddhodana

سُغدی شنددان) حکمران قبیلهٔ شاکیا^۱ و مادرش مایایا مهامایا^۲ (=در سُغدی مِغامای) بود. گفته می‌شود مایا در خواب می‌بیند که بودای آینده از بهشت فرود می‌آید و به شکل فیل سپیدی وارد رحم او می‌شود. به همین دلیل فیل برای همهٔ بوداییان مقدس است. به پیش‌بینی برهمنان، گئوتاما در سن ۳۵ سالگی یا فرمانروای جهان^۳ می‌شود یا یک بودا و به دیدن چهار علامت (پیرمرد، بیمار، جسد و راهب) از زندگی دنیوی دست می‌شوید و خرقةٔ رهبانیت بر تن می‌کند؛ به همین علت، پدرش سعی می‌کند تا نگذارد گوتاما این چهار علامت را ببیند. بدین ترتیب، گئوتاما در ناز و نعمت بزرگ می‌شود. او با دختر عمویش یشوده^۴ (=در سُغدی یشودر) ازدواج می‌کند و دارای پسری می‌شود. روزی در شهر مشغول گردش بوده که آن چهار علامت را می‌بیند و تحول عمیقی در او پدید می‌آید. از آن پس، مسیر زندگی او تغییر می‌یابد قدم در راهی می‌گذارد که به رسیدن او به مقام بودایی منتهی می‌گردد. اسم گئوتاما، عنوانی است که قبیله‌های شاکیاها بنا به سنن کهن خانوادگی از اسامی پاکبازان کهن ودایی گرفته بودند. بودا پیش از آنکه به واقعیت بیدار شود معروف به گئوتاما شاکیامونی^۵ یا مرتاض شاکیاها بوده است، بعد از آنکه به واقعیت رسید او را بودا یا آنکه به واقعیت بیدار شده است، نام گذاردند و اسامی دیگری نیز چون سیدارتا^۶ آنکه به هدف نهایی رسیده است و تاته‌گاتا^۷ آنکه بدان ساحل پیوسته است، به او تعلق گرفته است [۵، ج ۱، ص ۱۳۲].

۲-۴. قانون بودایی^۸

دمه یا درمه از dhar به معنی بردن و داشتن است. به‌طور کلی دمه در کتاب‌های بودایی به این معناهاست: سازندهٔ سرشت یک چیز، قاعده، قانون، آیین، تعلیم، دادگری، درستکاری، کیفیت، چیز، شناسه دل و نمود [۱، ص ۶۸]. درمه در ادیان هندی تبار

1. Śakya
2. Mahāmāyā
3. cakravartin
4. Yaśodha
5. Śakyamuni
6. Siddhārta
7. Tathāgata
8. Dharma

چندین معنی دارد اما معنای اصلی آن نظام گیتی است. مفهوم درمه قابل مقایسه با مفهوم اشه (نظام گیتی) در دین زرتشت است. این ایده که رفتار در هماهنگی با درمه (قانونمندی ذاتی جهان)، رسالت و وظیفه هر فرد است، از متون باستانی هندی و ایرانی سرچشمه می‌گیرد و این متون، خوشبختی بشر را در هماهنگ شدن با نظم و قاعده بنیادین جهان (ارد یا اشه) و برآوردن مطالبات این نظم و سامان بنیادین جهان دانسته‌اند در هندوگرایی (هندوئیسم) درمه را در معنی وظیفه و رسالت هر فرد در زندگی در نظر می‌گیرند. در زبان‌های هندی امروزی، درمه بیشتر در معنای کیش و آیین افراد استفاده می‌شود. واژه درمه، خود از ریشه هندوایرانی «دار» (داشتن) گرفته شده و از دیدگاه لغوی به معنای برپادارنده است. درمه از مفاهیم بنیادین فلسفه هندی و اصلی است که کلیه مکاتب فلسفی هند آن را به نحوی قبول دارند.

۳-۴. انجمن بودایی^۱

سنگه، انجمن رهروان بودایی. سومین گوهر از سه گوهر و سومین پناه از سه پناه - یعنی بودا، آیین و انجمن - است [۱، ص ۵۹۸]. انجمن رهروان بودایی، از آغاز آموزه‌های بودا را با اقتدار فرا گرفته، آموزش داده و حفظ کرده است. رهروان با انجمن‌هایشان از راه سرمشق واقع شدن و آن‌گونه که بودا نشان داد، از راه آموزه‌های اخلاقی (سنسکریت: شیله^۲)، به غیر رهروان خدمت کرده‌اند. در عوض غیر رهروانی که از این راه به دنبال کسب ثواب‌اند از رهروان به خاطر خدمت‌شان حمایت کرده‌اند. دیر برای رهرو، علاوه بر خدمت، به عنوان محور تبلیغ و آموزش بودایی، فرصتی فراهم می‌کند تا جدای از علاقه‌های مادی زندگی کند. موقعیتی که معمولاً در باورها چنین می‌نمود که برای پیروی سخت از راهی که مستقیماً به رهایی می‌انجامد لازم است، یا دست کم اقتضای آن را دارد.

در سطر ۲-۶، در شهر شروستی^۳ در بوستان کیزیا، شمن‌ها^۴ - راهبان بودایی - و بودی ستوه‌های^۵ بسیار و با خدایان و دیگر اقلیم‌ها جمع بودند و فرمانروای مهتر جهان

1. Sangha

2. śīla

3. śārāṣṭa

4. śramaṇa

5. buddhisattva

یعنی بودا قانون را شرح می‌داد. بودی ستوه‌ها، بوداهای آینده هستند که مرکب از دو جزء "بودی" یعنی خرد و عقل و "ستوه" یعنی جوهر است؛ به عبارت دیگر بودی ستوه، کسی است که جوهرش خرد و دانایی است. بودی ستوه‌ها موجودات اساطیری هستند که از جسم نورانی^۱ بوداها بهره‌مندند و در فردوس توشیتا^۲ روی تخت مجللی جای گرفته‌اند و گروه قدیسین و اولیا گرداگرد آنها نشسته‌اند و آنها منجیانی جهت نجات انسان‌ها به زمین می‌فرستند و سرنوشت انسان‌ها دست این خدایان است. انسان باید این موجودات بزرگ را عبادت و آنها را ستایش کند. و اگر خواستار آزادی نیروانه است، باید راه بودی ستوه‌ها را بیماید و جوهر پاک آنها را در دلش بپروراند. پس بودی ستوه میانجی و واسطه‌ای است که موجبات وصول به مقام نیروانه را فراهم می‌سازد [۵، ج ۱، ص ۱۷۶-۱۷۵].

۴-۴. نیروانه^۳

در لغت، یعنی خاموشی (nir+√vā) نوزیدن، خاموش شدن؛ بنا بر شروع، بی‌آرزویی (nir+vana) است. نیروانه، یعنی "خاموش شده، سرد شده، فرو نشسته، فرو نشانده". نظر دیگر این است که nirvana از دو جزء nir-، vāna (=آز، شهوت، تشنگی و طلب) ساخته شده است: "از آنجا که روگردان (ni) از vāna یعنی شهوت، است آن را nibbāna خوانند." نیروانه بالاترین و آخرین مقصد آیین بودا، یعنی خاموشی فرجامین و مطلق آز و کینه و فریب و دل‌بستگی به وجود است؛ و با این مقام ایست یا رهایی فرجامین و مطلق از تولدهای مجدد، پیری و بیماری و مرگ، آزادی و خلاصی از هر رنجی نیز همراه است. "خاموشی آز، خاموشی کینه و خاموشی فریب را؛ این را نیروانه خوانند." [۱، ص ۵۷۶]. در آیین بودا به چهار حقیقت عالی رنج اشاره شده است:

۱. حقیقت رنج.^۴ بودا می‌گوید: "زاییده شدن رنج است، پیری رنج است، بیماری رنج است، مرگ رنج است، از عزیزان دور بودن رنج است، با ناعزیزان محشور بودن رنج است، به آرزو نرسیدن رنج است" [۱، ص ۳۶]. رنج بر ناپایداری، نقض و ناخشنودی دلالت

1. sambhoga kāya
2. Tuṣita
3. Nirvāna/Nzibbāna
4. dukkha-sacca

می‌کند. بودا تعالیم خود را نه با صحبت در مورد روشنایی خودش و نه دربارهٔ سعادت، گشایش و یا روشنی بلکه با صحبت از حقیقت رنج آغاز کرد.

۲. خاستگاه رنج.^۱ "خاستگاه رنج، تشنگی^۲ است، یعنی تشنگی کام، تشنگی هستی و تشنگی نیستی، و همین تشنگی است که به دوباره زاییده شدن می‌برد" [۱، ص ۳۶]. رنج از ندانستن اینکه که یا چه هستیم ناشی می‌شود. ما درک خود را بر پایهٔ تصویری از خود به منزلهٔ یک کلیت مستمر که خویشتن نام دارد، بنا می‌کنیم. وقتی به این معنای خود می‌نگریم، متوجه می‌شویم که هیچ چیز ملموس و حقیقی یا بسیطی وجود ندارد که آن را من بنامیم. این دریافت به ناامنی دایم می‌انجامد؛ عدم درک حقیقت و بی‌خویشتنی موجب می‌شود که ما به خاطر ندانستن اینکه که هستیم، رنج ببریم.

۳. رهایی از رنج.^۳ "رهایی از رنج، خاموشی تشنگی است. [یعنی] رها کردن آن، روگرداندن از آن، آزادی و وارستن از آن است تا نشانی از آن بجا نماند" [۱، ص ۳۷]. تمام انسان‌ها بارقه‌هایی از روشنایی را تجربه کرده‌اند. لحظات کاملاً مستقلی وجود دارند که در آن‌ها ذهن اسیر خاطرات گذشته و یا رویاهای آینده نیست و کاملاً معطوف به زمان حال است، چنین لحظاتی در هر زمان ممکن است اتفاق بیافتد. این بارقه‌های بودن در زمان حال درخشان هستند و با ذهن معمولی و کشمکش‌هایش در تضادند. پایان رنج روشنایی است: *نیروانه*. تمام تعالیم بودا وسیله‌ای است برای تجربه کردن روشنایی نه به عنوان تمرین نظری بلکه چونان تجربه‌ای مستقیم. روشنایی، احساس کامل آزادی است که با رهایی مفهوم فردی خود به وجود می‌آید و برای به دست آوردن چنین آزادی باید راهی دراز رفت.

۴. راه رهایی از رنج. "این راه، همان راه راستی و درستی در شناخت، در اندیشه، در گفتار، در کردار، در زیست، در کوشش، در آگاهی و در یکدلی^۴ است" [۱، ص ۳۷] که همان راه هشتگانهٔ جلیل است که این راه از روی سه آموزش^۵ تنظیم شده است که

1. dukkha-samudaya

2. taṇhā

3. nirodha

4. samādhi

5. tri-sikkhā

عبارتند از ۱. برترین سلوک^۱ که همان راستی و درستی در گفتار، در کردار و در زیست است، ۲. برترین یکدلی^۲ که همانا سیر در عوالم درونی و نظاره و نگرش است یعنی رهرو به راستی و درستی در کوشش، آگاهی و یکدلی توجه می‌کند و آن‌گاه و ۳. برترین فراشناخت^۳ یعنی رسیدن به بینش حقیقت که همانا شناخت درست و اندیشه درست است [۱، ص ۳۹-۴۴].

سراسر راه هشتگانه و همه دمه راه میانه وسیله رسیدن به مقصد، یعنی نیروانه است که آغاز آن بی‌مرگی و اوج آن ذات بی‌مرگی است. هر گام از راه هشتگانه جلیل، خود نتیجه‌ای دارد و مقصد و مقصودی که رهرو به آن دلخوش و خرسند است؛ ولی اگر می‌خواهد به مقصد فرجامین برسد باید بخواهد و بکوشد تا به پله‌های بالاتر برسد. رهرو با پیمودن این راه از پله‌های آزادی بالا می‌رود و با هر آزادی، یک شادمانی همراه است و بدین سان راه به برترین شادمانی، یعنی نیروانه هموار می‌شود.

آوانویسی سطر ۷-۸

7. wēdāy(a)tē xō Ananda wēšanu martəxmē wātōār āžōn piḍār awu

8. pute māḍ patīškwāy

ترجمه:

(۷) آن‌گاه آینده برای (=درباره) وجود جاندار این مردم (۸) به بودا چنین عرض

کرد...

در سطرهای ۷-۸، آینده (Ananda) که از مریدان بودا می‌باشد، پرسشی در مورد وجود جاندار مردم مطرح می‌کند و در سطرهای ۸-۶۳ در مورد تفاوت‌های فیزیکی و خصوصیات اخلاقی مردمان و تفاوت در سرنوشت آنان می‌پرسد.

آوانویسی سطر ۳-۶۷

63....rəti nūkar xō puta kō Ananda cānu

64. wyāḅar yōnē upars əču-ti əpṛsē (ə)skūn reti wispu čon

65. parwīčk āžōn piḍār xō kē-ti-šē xō pāzan ēw-zang mərxi

66. nē βōt rəti čīmēḍ piḍār patsarō awu ēw-zār at awu βēwar zangān

67. patin patin anya-zang xō pature βōt paru

1. adhiśīla-sikkhā

2. adhicitā-sikkhā

3. adhipañña-sikkhā

ترجمه:

(۶۳)... پس اکنون بودا به آینده چنین (۶۴) گفت: "و این پرسشی که می‌پرسی، پس همه از (۶۵) برای زندگی پیشین است که [در آن] ذهن [هرکس] یکسان [و] برابر (۶۶) نیست؛ پس از برای این، مطابق [آن]، یک هزار و آن بیور (=ده هزار) نوع (۶۷) جدا جدا (=جداگانه) [و] گوناگون، معلول برای آن است..."

در سطرهای ۶۳-۶۷، بودا در مورد تفاوت در کارکردها در زندگی‌های پیشین صحبت می‌کند. از مهم‌ترین فرضیه‌هایی که آیین بودایی آن را پذیرفته و شالوده عقاید فلسفی خود را بر آن نهاده است، همین مبحث قانون کرمه و تولد مجدد در گردونه بازپیدایی یا سمساره^۱ است؛ مطابق اصل تناسخ یا سمساره، انسان‌ها بر اثر کارهای بد خود، بارها و بارها در بدن‌های گوناگون و به صورت‌های مختلف در این جهان زاده می‌شوند و چگونگی زندگی بعدی انسان بستگی تام به اعمالی دارد که در حیات کنونی انجام می‌دهد. هر گفتار و کردار و پندار، واکنشی در بردارد، یعنی به محض اینکه فعلی را انجام می‌دهیم تولید نیرو و تأثیری می‌کنیم که برحسب اینکه نیک یا بد و خیر یا شر باشد، ثمره خوب یا بد به بار می‌آورد؛ بسان دانه‌ای که چون شرایط ضروری حاصل شد، می‌روید و رشد می‌کند و میوه خویش را به ثمر می‌رساند (دانه‌ای که من در زندگی پیشین کاشته‌ام، امروز در بند این حیات خاکی نمایان می‌شود و مرا گریبانگیر آثار خود می‌سازد و سرنوشت تلخ و شیرین مرا تعیین می‌کند) [۵، ج ۱، ص ۲۰]. قانون کرمه معتقد است که خود انسان محصول کردارها و اعمال زندگی‌های پیشین است و در این راه دراز پیدایش‌های پی‌درپی، مرگ فرجام کار و پایان راه نیست و مادام که انسان به معرفت مطلق و وارستگی کامل نایل نیاید، از این گردونه آزاد نخواهد شد. روح آدمی از زمانی بی‌آغاز در چرخه باز پیدایی محصور شده و هر دم و هر آن، از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر و از قالبی به قالب دیگر در می‌آید.

در سطرهای ۶۷-۷۵، بودا تناظر بین ویژگی‌های مثبت و منفی کنونی زندگی افراد و رفتار گذشته آن‌ها را شرح می‌دهد. ویژگی‌های مثبت زندگی گذشته افراد با عباراتی نظیر زیبا (kršn'w)، انسان بزرگ (mz'yγ) و بلند بالا (βrz'k mrtγm'k) بیان می‌شود

که از نوع بردبار (pt''wn'k wkry) و بلندپایه (sk') و اشرافی (pcm''k') از نیایش خدمت آورده می‌شود. ویژگی‌های منفی با عباراتی نظیر زشت (ckšt'k) و نیازمند (ny'zkyn)، پست (c'δrcyk)، فرومایه (βyzkn'k) و کوتاه پای (mwrzk'-p'δ'y) که از میان خشم (δrm'kyh) و خست (γytcn'y'k) و غرور (γwr't'nyh) و از برای تکبر (nym'ntyh) آورده می‌شود. به همین شکل از سطر ۷۵ تا ۹۸ توضیحات بودا تنها با اشاره به خصوصیات منفی ادامه پیدا می‌کند و ساختار جمله برای اشاره به تولد مجدد تغییر می‌کند؛ که با توجه به کردارهای زندگی پیشین به صورت‌های مختلف در زندگی کنونی افراد پدیدار می‌شوند.

در سطرهای ۹۹-۱۲۹ شرح‌ها با اشاره به خصوصیات منفی ادامه پیدا می‌کند و دلیل اینکه در تولد مجدد چنین زاده می‌شوند، مربوط به کردارهای گذشته می‌باشد. به طور مثال در سطر ۱۱۲ اشاره می‌شود که کسی که سوتره را می‌خواند، دانا (wyc'γtk) زاده می‌شود و در سطر ۱۱۳ چنین آمده که شخص نادان (sk'm'y) از وجود حیوان آورده می‌شود. از این سطر به بعد، تولد مجدد به صورت و شکل حیوان آورده می‌شود. در سطرهای ۱۲۹-۱۵۲، همچنان شرح خصوصیات منفی بیان می‌شود و در سطر ۱۳۰ یک عبارت زمانی "هنگامی که می‌میرد" (rt'y YK' myrty) آورده شده که عمل را از نتیجه جدا کرده و باز اشاره به تولد مجدد در گردونه باز پیدایی دارد. در سطرهای ۱۵۲-۱۸۰ تشریح در مورد خصوصیات منفی ادامه می‌یابد. در سطرهای ۱۸۰-۱۸۳ در مورد گناهی صحبت می‌شود که عبارت است از ناپاک کردن زن شمن - راهبه بودایی - (šmn'nch) و کیفر آن که چنین شخص گناهکاری در دوزخ آهنین می‌افتد و در مورد عواقب بد آن توضیح داده شده است.

آوانویسی سطر ۱۸۳-۱۸۷

183. ...reti nūkar wēdāγ(a)tē xō Ananda wā
 184. pute čānu patīškway mēd čānu-ti xō pute parβērē rāti
 185. xōnax kē-ti paru pursanganē ādēč γawāt rāti xwēžaku
 186. γrān xō čānu-ti ēw-γōnčēd āt rāti nūkar δāpat čānu kō
 187. farxār ēst kām paru spās at paru patβyu at namāčyu

ترجمه:

(۱۸۳)... و آن‌گاه آننده (۱۸۴) به بودا چنین عرض کرد: "همچنان که بودا شرح داد، پس (۱۸۵) کسی که در هر چیز مربوط به راهبان بودایی گناهی مرتکب شود، این

بسیار (۱۸۶) گران است، اگر این گونه باشد؛ پس اکنون هدیه دهنده چگونه به (۱۸۷) پرستش گاه خواهد آمد، برای خدمت و برای احترام و نیایش؟"
 سطرهای ۱۸۳-۱۸۷، آنده در مورد گران بودن گناه کسی که در هر چیز مربوط به راهبان بودایی مرتکب می شود، تأکید می کند و در مورد شخص هدیه دهنده یا بخشنده سؤال می کند که چگونه برای خدمت و احترام و نیایش به فرخار^۱ خواهد آمد.
 آوانویسی سطر ۱۸۸-۲۰۹

188. rəti xō pute kō Ananda čānu frāmāy xōnax kē-ti awē
189. sangārāmē tisāt rəti-šē par(ə)δwa wikare xō pāzan ēw paru širu
190. mān tuti diβdi paru γandāk mān rəti nūkar xōnax kē-ti paru
191. širē mān tisāt wāyōnē xō tuti kaδ pute wēnt ərti
192. namāčyu βarti tuti awu pursang wēnt awu (ə)spās (ə)spēšti
193. tuti pōstaku tuti šakšapat wiδβāγ əpṛsti tuti wā
194. axšnām xwēžt rəti awu γrāmē zārē nē sayt rəti paru θrē/šē
195. ratna anduxat rəti awu γrīw at awu žwān zārē nē βart
196. kē-ti awu mazēx δarm βīrt rəti nūkar xō ēw-zang martəxmē
197. čānu xō ēw āxār āxērt rəti-šē xō βayestān xutē
198. zβāre ēst rəti-šē ēw-γōncēd xō pature βōt čānu-ti (ə)men
199. čuδīk/jodiga ərti nūkar yōnē ādparm sarčīk martəxmē
200. xwenti rəti pēšt nūkar xō γandāk-mānē martəxmē wāyōnē
201. βōt čānu tuti kaδ awē farxārē tīst čon šamantya ādēču
202. patēdāt rəti mešnu pursang awu γ(ə)wān parwēdēt tuti-šan
203. wā āyōž βarti rəti mas awu šamanānē xwart xwart rəti-
204. šan uzγām baznu nē βart rəti xō ēwzang martəxmaku čānu
205. mirti rəti awē taβdē (ə)spanēnē marγundē tamya anpat
206. əku-ti xō puxš at tanūr βōt tuti-n kartēnč γaru
207. at akārtē want rəti nēst wānaku wyak əku-ti wisparθ
208. čādarčīk martəxmē βōt rəti.....

ترجمه:

(۱۸۸). پس بودا به آنده چنین فرمود: "او که (۱۸۹) در صومعه داخل می شود، پس

۱. معادل فرخار در سنسکریت vihāra به معنی مقام، جایگاه، دیر (همان واژه است که در فارسی بهار شده است). سه مقام هست: مقام آسمانی (dibba-vihāra)، مقام قدسی و معنوی (brahma-vihāra)، و مقام جلیل یا شریف (ariya-vihāra) [۱، ص ۶۱۰].

ذهن [او] بر دو گونه [است] یک با (۱۹۰) ذهن خوب و دیگر [ی] با ذهن بد. پس اکنون او که با (۱۹۱) ذهن خوب داخل شود، آن گونه است که وقتی بودا را می‌بیند، پس (۱۹۲) نیایش می‌کند؛ و [چون] جماعت راهب را می‌بیند، خدمت می‌کند (۱۹۳) و شرح سوتره و آموزه را می‌پرسد و (۱۹۴) بخشایش می‌خواهد؛ و دارایی را دلسوزی نمی‌نماید (=دریغ نمی‌کند)، (۱۹۵) قانون بزرگ را می‌پاید. پس اکنون چنین انسانی (۱۹۷) هنگامی که یک گام بر می‌دارد، پس بهشت خود (۱۹۸) [به سوی او] می‌آید؛ و او را نتیجه‌ای است مانند (۱۹۹) [یک] جودیکه. پس اکنون این [فرد]، برجسته‌ترین انسان (۲۰۰) خوانده می‌شود. و اما اکنون آن انسان پلید ذهن آن گونه (۲۰۱) است آنچنان که وقتی در پرستش‌گاه داخل می‌شود، از شمن‌ها چیزی را (۲۰۲) گدایی کند؛ و گناه جماعت‌های راهب را می‌جوید؛ و آن‌ها را (۲۰۳) آشوب می‌برد (=باعث آشفتگی آن‌ها می‌شود؛ و باز خوراک شمنی (=مخصوص شمن‌ها) را می‌خورد؛ و (۲۰۴) از ایشان اصلاً شرم نمی‌برد (=نمی‌کند). پس چنین انسانی هنگامی که (۲۰۵) می‌میرد، در دوزخ گلوله‌های [های] آه‌نین تفته می‌افتد، (۲۰۶) جایی که دیگ و تنور است و کوه کاردی (=کوه کاردها) (۲۰۷) و درختان شمشیر، و چنان جایی نیست که او (۲۰۸) نرسد. پس اکنون چنین انسانی (۲۰۹) پست‌ترین است!"

در سطرهای ۱۸۸-۲۰۰، بودا در مورد رفتار بخشنده نیک در معبد توضیح می‌دهد که چنین شخصی ذهن‌اش بر دو گونه است: آنکه با ذهن خوب وارد معبد می‌شود، وقتی بودا را می‌بیند نیایش می‌کند و به جماعت راهب خدمت می‌کند و شرح سوتره و آموزه را می‌پرسد و بخشایش می‌خواهد و برای سه گوهر می‌کوشد و جسم و جان خود را دریغ نمی‌کند و با این اعمال، بهشت خود به سوی او می‌آید و پاداش او همچون یک جودیکه^۱ (cwδ'yk) است به معنی تابناک و عنوانی برای هر موجود والا مقام است [۲]، ص ۱۸۳؛ این فرد، والاترین انسان خوانده می‌شود. در این بخش اشاره به سه گوهر با ارزش دین بودایی شده است که در واقع سه هسته اصلی در سنت بودایی هستند که عبارتند از: بودا،^۲ (=آیین، سیر و سلوک بودایی)، سنگه^۱ (=انجمن رهروان بودایی)

۱. معادل این کلمه در سنسکریت Jyotiṣka است.

[۱، ص ۲۷]. در سطرهای ۲۰۰-۲۰۹ در مورد رفتار انسان بد ذهن شرح می‌دهد که وقتی وارد معبد می‌شود از شمن‌ها گدایی می‌کند و گناه جماعت راهب را می‌جوید و باعث آشفتنگی آن‌ها می‌شود و خوراک مخصوص شمن‌ها را می‌خورد و شرم نمی‌کند؛ چنین فردی وقتی می‌میرد در دوزخ گلوله‌های آهنین می‌افتد و پست‌ترین انسان است. در سطرهای ۲۰۹-۲۱۶، بودا به زمان آینده و آمدن مئیتریا^۲ (mytr'k) اشاره می‌کند و از آینده می‌خواهد که به شاگردانش بسپارد که نسبت به سه گوهر مراقب باشند و کوتاهی نکنند و در نیکوکاری بکوشند؛ بنابر باورهای بودایی، قانونی که بودا به جهانیان عرضه داشت، از سه مرحله گذر خواهد کرد: نخست، مرحله‌ای که قانون بودایی در اوج و مورد احترام است؛ دوم، مرحله زوال قانون، و سوم، مرحله‌ای که در آن هیچ کس به قانون عمل نمی‌کند و تفکر بودایی از میان می‌رود. در آن هنگام مئیتریا از مقام یک بودی‌ستوه به مقام بودایی دست خواهد یافت و با ظهور خود، چرخ قانون را دوباره به حرکت در خواهد آورد [۲، ص ۱۸۴]. در سطرهای ۲۱۶-۲۸۵، بودا در مورد گناه‌ها و دوزخ‌های متناظر با آن‌ها و انواع مجازات شرح می‌دهد. اشاره به دوزخ اویچی و هشت دوزخ بزرگ و ۱۳۶ دوزخ کوچک تا پنج کلیه^۳ (kōp) شده است [۲، ص ۱۸۴]. کلیه، یک دوران زمانی است که تصور سال و قرن‌های آن ناممکن است. هر کلیه چهار بخش می‌شود: زوال جهان^۴، استمرار بی‌نظمی^۵، شکل‌گیری جهان^۶، استمرار جهان شکل گرفته^۷.

در سطرهای ۲۸۵-۳۳۳، بودا خصوصیات مردم زنده را از حیوانات متناظری می‌داند که آن‌ها در زندگی قبلی‌شان بوده‌اند. در سطرهای ۳۳۴-۳۳۷، بودا در مورد کیفر کسی که به پرستشگاه^۸ فرخار، آسیب می‌رساند و دارایی سه گوهر را پنهان می‌کند و خرج

1. sangha

۲. معادل آن در سنسکریت maitreya (نام بودای آینده) است.

۳. معادل کلیه در سنسکریت kalpa/kappa می‌باشد به معنی دوره‌ی جهانی

4. saṁvaṭṭa-kappa

5. saṁvaṭṭa-tthāyī

6. vivaṭṭa-kappa

7. vivaṭṭa-tthāyī

۸. معادل آن در سنسکریت stūpa است که در اصل به معنی خاکریز و تپه‌ی کوچک است، اما اصطلاحاً به بنایی گفته می‌شود که در نقاط مقدسی که بودا در آنجا فعالیت کرده یا اثری از خود به یادگار نهاده، برمی‌افرازند [۲، ص ۱۸۳].

می‌کند، توضیح می‌دهد که چنین فردی به دوزخ اویچی^۱ است، می‌افتد. در سطرهای ۳۳۷-۳۴۷، در مورد انسانی که خویشان را می‌ستاید و خود را از همه چیز برتر و بالاتر می‌داند صحبت شده که چنین انسانی وقتی می‌میرد، به سه راه بد می‌رسد و حیات چارپا را می‌یابد و برای همه مردم برابر می‌شود و اگر سوتره را گوش کند، از چنین گناهی رها شده و به شهرت خوب می‌رسد. در سطرهای ۳۴۷-۳۵۷، در مورد فرد شکننده پرستشگاه و مجازات او که دوزخ است، شرح داده شده که بعداً حیات جانوران را می‌گیرد و سپس حیات انسان را گرفته و خواجه حرمسرا می‌شود. در سطرهای ۴۱۶-۳۵۷، شرح بودا در مورد حیات دوباره کسانی که مرتکب گناه می‌شوند ادامه پیدا می‌کند.

آوانویسی سطر ۴۱۷-۴۲۱

417.rəti mas wēdāγ(a)tē xō pute kō Ananda čānu frāmāy awu munu/ō
 418.tuti-fē wāfar wikare əsfrāčkī ču parβērāt dārām wispu
 419.čīwēd piđār xō kē-ti awu δas(a) wikare (ə)βəž-(ə)křtyā wanti rəti
 420.xō sarčī tamya anpat tuti xō δiβdi əstōr-padē mēdānē tuti
 421.čādarčīk awē pret āžōn paru...

ترجمه:

(۴۱۷) و باز آن‌گاه بودا به آنده چنین فرمود: " (۴۱۸) پس این [همه] نوع چیز[ها] که برای تو شرح دادم، همه (۴۱۹) از برای آن است که [او] ۱۰ نوع گناه را می‌کند، پس (۴۲۰) [در] نخستین [درجه] در دوزخ می‌افتد، در دومین در میان چارپایان، و (۴۲۱) در زیرزمین (= سومین) در وجود روح گرسنه ..."

در سطرهای ۴۱۷-۴۲۱ بودا به شرح ده نوع گناه می‌پردازد که این ده گناه، علت همه نوع بدی هستند و کسی که این گناهان را مرتکب شود در مرحله اول در دوزخ می‌افتد، در دومین مرحله در میان چارپایان و در سومین مرحله در وجود روح گرسنه می‌افتد. در سطرهای ۴۲۱-۴۷۴ بودا به شرح این گناهان می‌پردازد که عبارتند از:

۱. گناه کشتار (ptγwnk' krt'nyh)، ۲. دزدی (γδ'wny)، ۳. هوس نامشروع ورزیدن (pδ'ty □βr'γs'k)، ۴. دروغگویی (δrγmh)، ۵. دروغگو و دو زبان (swntk t) ۶. بدزبان و توهین‌کننده (δyβ-(zβ'k) ۷. چرب زبان (γnt'k-zβ'k, nmt''t-kr'k)

۱. avīci نام بدترین دوزخ در باورهای بودایی.

(p'γwch-w'γš'y) ۸. آزمند (zβr'y)، ۹. خشمناک (δrzm' βr'k)، ۱۰. دارای دیدگاه منحرف (ptk'wn-wyn'k) امتناع ورزیدن از این ده گناه به عنوان ده گام تربیتی^۱ (=ده دستور) در آیین بودا مطرح شده‌اند و رهرو بودایی باید طبق این ده اصل تربیت شود و از انجام این گناهان امتناع کند [۱، ص ۲۶۲]. سیله، سلوک، رفتار، وظیفه، هنر اخلاقی و فضیلت است؛ حالتی از دل و اراده است که در گفتار، کردار یا کردار جسمی نمودار می‌شود؛ و در واقع بنیاد رفتار و سلوک بودایی است و نخستین آموزش از سه آموزش است (آموزش برترین سلوک، آموزش برترین یکدلی، آموزش برترین فراشناخت) [۱، ص ۶۰۳].

آوانویسی سطر ۴۷۴-۴۸۲

474.rəti nūkar wēdāyatē awē mazēx anwāzē mēdānē martəxmē wimāt
 475.kē-ti-šē xō das wikare əβizakṛtyā (ə)kṛte wimāt ərti čānu
 476.čōn βayānē βaytam pute (ə)mu tamīk frās patīyōš at
 477.awu pature rəti frāyāz rāt at (ə)xšēwan əkṛte rəti awu
 478.βayānē βaytam puta čānu patīškway əfčambaḍe-xwēštar
 479.rəti kəši əču awu wāyōnē širākṛtyā wanān čānu tuti čimand
 480.əβiža zraxsān rəti-šē xō pute čānu wāβ mēšnu wispanē
 481.martəxmē awu mān ōstaya tuti āmarθān anwaštaku wā
 482.punyān at awu širākṛtyā wandā paru...

ترجمه:

(۴۷۴) و اکنون آن‌گاه در میان [آن] جمع بزرگ مردی بود (۴۷۵) که توسط او ده گناه کرده شده بود. پس هنگامی که (۴۷۶) از بودا، خداترین خدایان این جزای دوزخی (۴۷۷) و کیفر[ها] را شنید، پس گریستن و شیون کردن آغازید و (۴۷۸) به بودا، خدای‌ترین خدایان، چنین گفت: "ای سرور جهان، (۴۷۹) پس اکنون چه نیکوکاری کنم، چنان‌که از این (۴۸۰) بدی نجات یابم؟ پس بدو بودا چنین گفت: " (۴۸۱) اندیشه همه مردم را درست کن، و جمع شده با هم (۴۸۲) احسان و نیکوکاری کنید..."

در سطرهای ۴۷۴-۴۸۰، فرد گناهکاری که در جمع بود و ده گناه توسط او انجام شده بود از بودا پرسید که چه نیکوکاری باید بکند تا از این بدی نجات یابد. در سطرهای ۴۸۰-۵۵۰، بودا در مورد انجام کارهای نیک از جمله احسان و نیکوکاری و

ساختن پرستشگاه و درست کردن اندیشهٔ مردم و تأثیرات آن‌ها در دنیای پسین و کسب پاداش‌های فراوان توضیح می‌دهد.

آوا نویسی سطر ۵۴۴-۵۵۰

- 544...rəti nūkar xō pute kō Ananda čānu frāmāy
 545.azu ti wisparθ wyākī əču pōstē at awu δarm parβērt δāram
 546.awu anβand at awu pature rəti mēšnu wātδār āžōn ansēδ
 547.tuti-šu patfasand tuti-šē par šawand čānu tuti čon
 548.(ə)βēža zrassāt rəti pēšt xōnax kē-ti munaku pōstē
 549.patγōšāt rəti nangu at awu parwāk wanant rəti (ə)myāmande
 550.martəxmē paru wēnandē δōkī xō zβāk paru zāy anpat

ترجمه:

(۵۴۴)... پس اکنون بودا به آینده چنین فرمود: "(۵۴۵) و من آنچه [از] سوتره و قانون که در همه جا شرح داده‌ام، (۵۴۶) [یعنی] آن علت و آن معلول را، پس موجودات جاندار را ترغیب کن (۵۴۷) که آن را بخوانند و بر [پایه] آن بروند (=رفتار کنند)، چنان که از (۵۴۸) بدی نجات یابد (=نجات یابند). و اما او که این سوتره را (۵۴۹) بشنود و تحقیر و بدگویی کنند (=کنند)، پس (۵۵۰) این چنین مردمی را در جهان کنونی، زبان بر زمین می‌افتد (=زبان چنین مردمانی در جهان کنونی بر زمین می‌افتد)".

در سطرهای ۵۴۴-۵۵۰، در مورد اثرات سودمند پیروی از سوتره و قانون، یعنی علت و معلول توضیح داده می‌شود که هر آنکه آن را بخواند، از بدی نجات یابد و نیز در مورد اثرات منفی توهین و تحقیر به این سوتره شرح می‌دهد.

آوا نویسی سطر ۵۵۱-۵۵۵

- 551.rəti nūkar wēδāyatē xō Ananda awu pute māδ patīškway əčambaδe
 552.xwēštara xō pōstē yōnē əču nām kirāt tuti čāyōne
 553.awu mām ōstayēman rəti xō pute kō Ananda čānu frāmāy
 554.xō pōstē ti yōnē šir tuti əβēža paturē anβand nām
 555.βāt tuti mas putisatβ āyaδē artawaspē pōstē nām βāt

ترجمه:

(۵۵۱) پس اکنون آن‌گاه آینده به بودا چنین فرمود: "(۵۵۲) ای سرور جهان، این سوتره چه نام کرده شود؟ و چگونه (۵۵۳) اندیشه [مان را در آن] بنهیم؟ پس بودا به آینده چنین فرمود: "(۵۵۴) آن سوتره نام [اش] علت جزای خوب و بد (۵۵۵) باد و نیز نام [اش] سوترهٔ پارسایی با آرزو بودی ستوه [شدن] باد".

در سطرهای ۵۵۱-۵۵۳، آننده در مورد انتخاب نامی برای این سوتره می‌پرسد. در سطرهای ۵۵۳-۵۵۵، بودا دو عنوان را برای این سوتره انتخاب می‌کند آن را "علت جزای خوب و بد" و "سوتره پارسایی با آرزوی بودی ستوه شدن" می‌نامد. سطرهای ۵۵۶-۵۶۹، در مورد اثرات سودمند شگفت‌انگیزی است که تفسیر این متن روی جمع داشت و انسان‌های الهی، اندیشه‌شان را به سوی برترین روشنگری کامل نهادند و این سوتره عاملی شد برای شادی جمع و روانه شدن آن‌ها به سوی احسان و نیکوکاری و پذیرفتن فرمان بودا.

نتیجه‌گیری

اعتقاد به عدم ثبات اشیاء سلسله پیدایش‌های پی‌درپی نشانگر این است که این دنیا اقامتگاهی بس گذران و ناپایدار و مملو از مشقت و رنج بی‌پایان است. رنج و خوشی، مشقت و لذت آنچنان به هم آمیخته‌اند که هر آسایشی، آبستن ناکامی است و هیچ لذتی قرار و ثباتی ندارد. این مقاله با بررسی موضوعی متن سوتره علت و معلول کردار ما را به این اعتقاد و نحوه تفکر بودایی سوق می‌دهد که اساس عالم رنج است و علت آن، تشنگی و امیال شدید نفسانی است. فرمانبرداری از عطش نفس سبب تولد دوباره در همین دنیا می‌شود که خود باعث رنج دوباره خواهد شد. به اعتقاد بودا، سمساره تولدهای دوباره، بارها و بارها تکرار می‌شود و تنها راه گریز از آن اخذ روش اخلاقی درست است تا انسان به یاری کمالات اخلاقی، امن‌ترین راه‌ها را برگزیند و از بدی‌ها دوری کند و با توسل به ریاضت معنوی، مراقبه و زیستن اخلاقی، خود را منقلب سازد و بر هواهای نفسانی خود غلبه کند و به مقام نیروانه - انتها و هدف غایی تعلیمات بودایی - برسد. رسیدن به این مقام مستلزم آن است که جوینده حق یا رهرو به واقعیت حق، بیدار شده باشد؛ مانند خود بودا که در زیر درخت روشنایی ناگهان به واقعیت مطلق رسید و روشنایی محض در اعماق وجودش تابید.

منابع

[۱] پاشایی، عسگری (۱۳۸۳). *بودا (زندگی بودا، آیین او، و انجمن رهروان او)*، تهران، نگاه معاصر.

- [۲] رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸). *سوتره علت و معلول کردار (متنی بودایی به زبان سغدی)*، تهران، انتشارات اساطیر.
- [۳] زرشناس، زهره (۱۳۸۰). *شش متن سغدی (بخش نخست)*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۴] ——— (۱۳۸۷). *دستنامه سغدی (دستور، داستان‌های گزیده، واژه‌نامه)*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۵] شایگان، داریوش (۱۳۹۲). *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، جلد اول*. تهران، نشر فروزان روز.
- [۶] قریب، بدرالزمان (۱۳۸۳). *فرهنگ سغدی (سغدی - فارسی - انگلیسی)*، تهران، فرهنگان.
- [۷] ناس، جان بی (۱۳۷۷). *تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت*، تهران، علمی و فرهنگی.
- [8] Benveniste, É. (1940), *Textes sogdiens*, Paris.
- [9] Gauthiot, R. and Pelliot, P. (1920), *Le Sūtra des causes et des effets du bien et du mal, vol.I: facsimile des textes sogdian et chinois*, Paris.
- [10] Gauthiot, R. and Pelliot, P. (1926), *Le Sūtra des causes et des effets du bien et du mal, vol.II(1): transcription, traduction et commentaires*, Paris.
- [11] Gauthiot, R. and Pelliot, P. (1928), *Le Sūtra des causes et des effets du bien et du mal, vol.II(2): glossaire et index*, Paris.
- [12] MacKenzie, D. N. (1970), *The Sūtra of the Causes and Effects Of Actions in Sogdian*, London.